

مجله موسیقی

شماره ۱۰۶ دوره سوم شهریور و مهر ماه ۱۳۴۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پیوند موسیقی و دیگر رشته‌های هنری

نوشته Lorrain Curry

از

Music Educators Journal

طی پنجسال گذشته ارکستر سمفونی «Flagstaff» تحت رهبری «Pat . B . Curry» و با همکاری و همکاری مدارس خصوصی و دولتی «فلکستاف» (آریزونا) به تدارک کنسرهائی مخصوص جوانان، توفیق یافته است .

هر يك از دانش آموزان سال چهارم دبیرستان در اجرای یکی از چهار برنامه کنسرت جوانان شرکت می‌جویند. معلمین موسیقی در ضبط قطعاتی که باید عرضه شود، فراهم آوردن موضوعات بررسی و مطالعه و نیز در معرفی و تشریح مراحل مختلف برنامه‌های آموزشی، تشریح مساعی می‌کنند.

مدیران دروس و معلمین کلاسها این تهیه و تدارک ساده و مختصر را، با ارائه طرح‌های دقیق دنبال می‌کنند و تداوم می‌بخشند. اکنون میزان پیشرفت در این رهگذر با آنجا رسیده که در «فلاگ استاف» هر دانش‌آموزی، با یک زمینه ذهنی آماده نسبت به موسیقی، آهنگسازان و ترکیب ارکسترها، در کنسرت‌های سنفونیک حاضر می‌شود.

هر چند که نظیر این برنامه از طرف گروه‌های دیگری هم تعقیب می‌شود، در این فصل طرح‌های جوانان «فلاگ استاف» آنقدری نظیر و شایان توجه بود که کار گروه‌های مشابه را تحت‌الشعاع قرار داد. یکی از قسمت‌های اساسی برنامه کنسرت این جوانان در سوم نوامبر ۱۹۶۵ به «نقاشیهای یک نمایشگاه» اثر «موسورسکی» اختصاص یافته بود.

چندین هفته پیش از اجرای کنسرت، کمیته کنسرت جوانان، بمنظور تنظیم و تدارک فعالیت‌های کلاس درس پیش از انجام برنامه، تشکیل جلسه داد.

تحت تأثیر زمینه ممتازی که «موسورسکی» در آثار خود برای ایجاد پیوند دوجانبه میان موسیقی و هنر پدید آورده است، نظرات متعددی درباره مطالعه روابط متقابل میان هنر و موسیقی ارائه شد. نخستین پیشنهادی که بمیان کشیده شد این بود که دانش‌آموزان بکوشند، نقاشی‌هایی را که الهام بخش «موسورسکی» بوده‌اند، با شنیدن موسیقی او، بدست خویش ترسیم کنند. این فکر پسند افتاد و پس از جستجوی بسیار به برخی از نسخه‌های اصلی آن تابلوها که سال ۱۹۳۹ در مجله Musical Quarterly همراه مقاله‌ای درباره آنها، بطبع رسیده بود، دسترسی حاصل آمد. دسترسی به تعدادی از نقاشی‌های نمایشگاه مورد بحث، هنگام نگارش مقاله امکان‌پذیر نبوده است بهمین سبب امروز تهیه نسخه‌ای از تمامی آن آثار اگر غیرممکن نباشد لااقل بسیار دشوار مینماید، بعلاوه جوانان بیشتر

به تابلوهائی علاقه نشان میدهند که رنگی است و کمتر از سبک دوران ویکتوریا تأثیر پذیرفته است .

برای شروع از یک «ایده» ووصول به ایده دیگر، این فکر مقبول افتاد که از مجموعه های موجود چنان نقاشیهائی بزگزیده شود که بهترین تناسب را با موسیقی واجد باشند، والبته در اینجا یکنوع تناسب و انطباق معکوس مورد نظر بود .

مرکز هنری و مدرسه عالی «آریزونا» برای گزینش چنین تابلوهائی قدم به پیش نهاد . در وهله نخست نقشه کار این بود به تهیه تعداد کافی نسخه بدل از تابلوها همت گمارده شود تا هر یک از پانزده مدرسه شرکت کنند بتوانند جداگانه برای خود نمایشگاهی داشته باشد. در غیر این صورت چنین صلاح اندیشه شد که تابلوها بحد کافی بزرگ شوند و نمایشگاه سیاری از آنها بوجود آید که برای هر یک از مدارس قابل استفاده و تماشا باشد.

اما فکر اخیر، بجای عمل در نیامد .

هنکامیکه کمیته جوانان مجلس مشاوره ای با هنرمندان ترتیب داد و موضوع را با آنان در میان نهاد یکی از ایشان پیشنهادی کرد که سخت مورد توجه واقع شد و همان اساس کار قرار گرفت .

«جان هاپکینز» مدیر گالری هنر و عضو دانشکده دولتی هنرهای «آریزونا» پیش از آن گاهگاه در اجرای طرح مشابهی که طی آن هر یک از هنرمندان به کشیدن یک قسمت از نقاشیهای الهام بخش «موسورسکی» ، تأموریت داشت، شرکت جسته بود. این نقاشیها، بنا بر توصیه او همزمان با اجرای کنسر در نمایشگاهی بنمایش درآمد. نظر «هاپکینز» این بود که همین تجربه در «فلک استاف» نیز بکار بسته شود. با این تفاوت که نمایشگاه بناسب عملی شدن مراحل مختلف برنامه در همه مدارس امکان عرضه و نمایش پیدا کند .

کمیته موافقت خود را اعلام داشت و با همکاری استادان آقای «هاپکینز» و «فرد دونگان» مدیر انجمن محلی ذخائر هنری، فهرستی از هنرمندانی که جلب مساعدتشان، امکان پذیر بود تهیه شد، ده هنرمندی که نخستین وهله با آنها تماس

حاصل شد موافقت و آمادگی خود را با اطلاع کمیته رسانیدند و طرح در دست اجرا قرار گرفت. همه این هنرمندان میل داشتند روی تابلوهای خود قیمت بگذارند و آنها را در جریان نمایش بفروش رسانند. نقاشان توافق کردند که



یکی از دانش‌آموزان ممتاز بنام « ربرتا شارپر » در حالیکه به پرده نقاشی « باله جوجه‌ها در لانه‌شان » نگاه می‌کند به موسیقی مربوط به آن (از هوسورسکی) گوش فرا داده‌است. این تابلو اثر « روث اسکات » عضو دانشکده دولتی آریزوناست .

کوچکترین اندازه تابلوها ۴۰ × ۳۰ باشد. تا باین ترتیب امکان تماشای آنها

بوسیله حداقل پنج هزار دانشجو فراهم آید .

هر يك از هنرمندان پس از شنیدن موسیقی موسورسکی، يك موومومان از آنرا بعنوان اساس کار خود برگزید. ده قاب عکس با اندازه های مورد نظر بدست دانش آموزان مدارس عمومی ساخته شده و در نمایشگاه مورد استفاده قرار گرفت .

هر يك از مدارس شرکت کننده، برای حمل اشیاء و تدارك سایر امور برای برپاداشتن نمایشگاه سیار در ساختمانهای خود، مسئولیت کاملی را پذیرفتند . برای جبران زیانهای احتمالی ترتیب بیمه تابلوها داده شد، يك فروشنده محلی آلات و ادوات هنری وسیله ساختمان چهارچوبه ها را به نازل ترین قیمت فراهم ساخت و يك مؤسسه حمل و نقل تشك های مخصوصی در اختیار اداره نمایشگاه گذاشت تا تابلوها هنگام انتقال از مدرسه ای به مدرسه دیگر در آنها پیچیده شود .

قرار بر این شد که از این تابلوها فیلمی تهیه شود و هر مدرسه نواری از آن بعنوان يك یادگار همیشگی داشته باشد و در فرصت های آتی آنرا نمایش دهد .

اداره روابط عمومی دانشکده دولتی «آریزونا» بمنظور تدارك برنامه ای مردم پسند از طرح موصوف معاضدت خود را در اختیار گروه روزنامه نگاران محلی گذاشت .

اشتیاقی به اینکه بر نامه تنظیمی هر چه زودتر بجامه عمل آراسته آید در تمام آنهائیکه بنحوی در برگزاری نمایشگاه شرکت داشتند. روز افزون بود. پس از مطالعه سوابقی که در سالهای پیشین برای تنظیم کنسر مورد استفاده قرار گرفته بود، معلمین مدارس عمومی، توانستند مجموعه ای بعنوان کتابچه درسی برای هر کلاس تدوین کنند. در این کتابچه اطلاعات سودمندی درباره آلاتی که در يك ارکستر سنفونیک یا دسته کوچک موسیقی بکار میرود، رهبران ارکستر (از Par. Curry رهبر ارکستر سنفونیک فلک استاف نیز در این شماره یاد شده بود) ارکسترهای سنفونیک، ارکسترهای محلی، و نیز آگاهی لازم و

اساسی در باره کار تصنیف آهنگ، آهنگسازان و هنرمندانی که در حال حاضر فعالیت دارند گنجانیده شده بود، در کتابچه‌ها همچنین به نام و عنوان فیلم‌های داستانی نوار فیلم‌های مربوط به موسیقی، مقالاتی که طی آنها طرح‌های تهیه دیده شده معرفی و نقادی شده بود و سایر مدارک و معلوماتی که بنحوی با امور مربوط به آموزش و تعلیم موسیقی پیوند داشت اشارت رفته بود. کتابچه‌های موصوف از طرف معلمین بنیکی استقبال شد و در کلاسهای درسی استفاده شایانی از آنها بعمل آمد، چندانکه دانش‌آموزان هیچ مطلبی از مطالب آنها را نیا موخته نگذاشتند. کتابچه‌های امسال با اشتغال بر چندین طرح ارزشمند، برای معلمین سایر رشته‌های هنری نیز، چه فردی و چه بطور جمعی درخور بهره برداری می‌توانند بود. اینان همه در کلاسهای درس از صفحه‌های «نقاشیهای یک نمایشگاه» برای خلاقیت بخشیدن به مباحث هنری خود، استفاده می‌کنند.

به همه دانش‌آموزان توصیه شد که بنا بر ذوق شخصی پیش از فرا رسیدن پائیز و برپاشدن نمایشگاه در مدرسه آنها، به کشیدن تابلوهائی با الهام از اثر «موسورسکی» پردازند.

معلمین رشته‌های هنری در توجیه این امر استدلال می‌کردند که دانش‌آموزان پس از حضور در کلاسهای درس موسیقی و عرضه داشتن تفسیرهای خاص خود، در حد وسیع‌تری می‌توانند کیفیت آثار نمایشگاه و برنامه‌های کنسرت جوانان را درک کنند و از آن لذت ببرند...

از جمله مطالب تازه‌ای که در کتابچه‌های تدوین شده مورد تشریح قرار گرفته، یکی این نکته است که هر کس موسیقی را به شیوه‌ای که دوست دارد گوش میکند و این شیوه از زمینه‌های خاص ذهنی او مایه گرفته است.

چیزیرا که یک نفر در قطعه‌ای از موسیقی درک می‌کند و یا در یک اثر نقاشی می‌بیند، شاید اصولاً در حیطه استدرک دیگری نباشد. قبول این حقیقت برای دانش‌آموز و پژوهنده موسیقی از ضرورات بشمار میرود.

در تدارک برنامه‌ای که ذکر آن گذشت، سه گروه برجسته همکاری و

همگامی داشتند .

ارکستر سنفونیک «فلک استاف» دارای اعضای هم از میان دانش آموزان
و هم از افراد جامعه است .

هنرمندانی که بر اثر مجاهدت آنان برنامه به مرحله عمل رسید هم در دستگاه
اداری دانشکده «آریزونا» و هم در انجمن ذخائر هنری عضویت دارند .

مدارس عمومی از قوه ذوق و پشتکار مدیران ، معلمین موسیقی و سایر
رشته‌های هنری و نیز خود دانشجویان بهره میگیرند .

طرح موصوف بمراتب بهتر از آنچه که مورد انتظار بود به حیطه عمل

پیوست و کوششی بود برای اثبات این واقعیت که میان موسیقی با نقاشی و سایر

رشته‌های هنری پیوند استواری هست و با کشف این پیوند نه تنها می‌توان ذوق

و قریحه دانش آموز را سرشارتر و باورتر ساخت بلکه به بالا رفتن سطح فرهنگ

در جامعه نیز مدد رسانید .

ترجمه اردشیر لطفعلیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی